

نباشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ  
ستایش مخصوص خدایی است که قضاء و حکم او را برگرداننده و عطاء او را بازدارنده‌ای

وَ لَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ  
و مانند خلقت او خلقتی یافت نشود و اوست عطابخش نعمت‌های بی‌کران.  
فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَ أَتَقَنَّ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ  
اجناس آفریده‌ها را از نیستی به ظهور آورد و خلایق را به حکمت خویش استوار ساخت  
وَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ  
هر آنچه پدیدار شود بر او مخفی نباشد

وَ لَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ  
و آنچه نزد او به ودیعه گذاشته شود ضایع نگردد

جَازَى كُلَّ صَانِعٍ  
پاداش دهنده هر عمل‌کننده اوست

وَ رَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ  
و بی‌نیازکننده هر قناعت‌پیشه اوست

وَ رَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ  
و رحم آورنده بر هر زاری‌کننده، اوست

مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ  
نازل‌کننده منفعت‌ها و کتاب جامع با نور درخشان، اوست.

وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ  
او دعاها را بشنود و سختی‌ها را برطرف سازد

وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ  
درجات [خوبان] را بیفزاید و گردن‌کشان را خوار سازد

فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ  
پس معبودی جز او نیست و همتا و مانندی برای او نباشد

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْلَطِيفُ الْخَبِيرُ  
و اوست شنوا و بینا، و لطیف و آگاه

وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
و او بر هر امری تواناست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ

بارالها، من مشتاق توأم

وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ

و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم

مُقَرَّرًا بِأَنَّكَ رَبِّي وَ إِلَيْكَ مَرَدِّي

در حالی که اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی، و بازگشت من به سوی توست

ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا

نعمت را بر من آغاز نمودی، پیش از آنکه موجودی در خور یاد باشم

وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ

و مرا از خاک آفریدی سپس در صلب‌ها (پشت پدران) جای دادی

أَمَّا لِرَبِّبِ الْمَنُونِ وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ

و از حوادثِ زمانه و گردش روزگاران و سال‌ها، مرا ایمن نمودی

فَلَمَّ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمِ

پس همواره از صلبی به رحمی کوچ می‌نمودم

فِي تَقَادِمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْفُرُونِ الْخَالِيَةِ

و بر این منوال روزها گذشت و قرن‌ها سپری شد

لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لَطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُنَمَّةِ الْكُفْرِ

و تو از باب نهایت مهر و لطف و احسانی که به من داشتی، در حکومت سردمداران کفر، مرا

به دنیا نیاوردی

الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ

آنان که پیمانت را شکستند و فرستادگانت را تکذیب نمودند

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى

بلکه مرا برای هدایتی که برایم مقرر نموده بودی به دنیا آوردی

الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي

هدایتی که مرا برای پذیرش آن آماده ساختی و در بستر آن هدایت، مرا پرورش دادی

وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَنِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَائِغِ نِعْمِكَ

و پیش از آن نیز با رفتار نکویت و نعمت فراوانت به من محبت و ورزیدی

فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِّي يُمْنِي

پس خلقتم را از نطفه قرار دادی

وَ أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ مِنْ بَيْنِ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ

و مرا در تاریکی‌های سه‌گانه: بین گوشت و خون و پوست جای دادی

**لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِي**  
 مرا بر خلقتم آگاه نساختی و چیزی از امر آفرینشم را به من واگذار نمودی  
**ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا**  
 سپس مرا بشری کامل و معتدل، به سوی هدایتی که برایم تقدیر نموده بودی به دنیا آوردی  
**وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا**  
 و مرا در خردسالی در گهواره محافظت نمودی  
**وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا**  
 و از غذاها شیر گوارا روزی ام ساختی  
**وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ**  
 و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی  
**وَ كَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرِّوَاحِمَ**  
 و مادران دلسوز را به پرستاری ام گماشتی  
**وَ كَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ**  
 و مرا از آسیب جنیان و شیاطین محفوظ نمودی  
**وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ**  
 و از زیاده و کم، مصون داشتی  
**فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ**  
 پس تو برتر و والاتری، ای مهربان و ای مهرگستر!  
**حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ**  
 تا آن زمان که لب به سخن گشودم  
**وَ أْتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ**  
 و نعمت‌های فراوانت را بر من تمام نمودی  
**وَ رَبَّيْتَنِي زَانِدًا فِي كُلِّ عَامٍ**  
 در هر سال بیشتر پرورشم دادی،  
**حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَ اعْتَدَلَتْ مِرَّتِي**  
 تا آن گاه که خلقت اصلی ام کامل شد و مزاجم اعتدال یافت  
**أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ**  
 حجّتت را بر من تمام کردی، که شناخت خود را به من الهام کردی  
**وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ**  
 و به مشاهده شگفتی‌های حکمت خویش، مرا شگفت زده نمودی  
**وَ أَيَقْظَتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ**

و مرا به زیبایی های خلقت در آسمان و زمین، متنبه نمودی

**وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ**

و مرا برای شکرگزاری و ذکرت هشیار ساختی

**وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ**

و اطاعت و بندگی ات را بر من واجب نمودی

**وَ فَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ**

و آنچه پیامبرانت آوردند، به من فهماندی

**وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ**

و پذیرش عوامل خشنودیت را بر من آسان نمودی

**وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ**

و در تمام این امور، با یاری و مهربانی ات بر من منت نهادی

**ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى**

و از آنجا که مرا از بهترین طینت‌ها آفریدی، بر من نپسندیدی که از نعمتی برخوردار و از

نعمت دیگر محروم باشم

**وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ**

بلکه با منت بزرگ و والاترت نسبت به من، و بنا بر احسان دیرینهات به من، از انواع متاع

زندگی و اقسام لوازم کامرانی، روزی ام فرمودی

**حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ**

تا جایی که همه نعمت‌ها را بر من تمام کردی و تمام رنج‌ها را از من دورساختی

**لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُرْلِفُنِي**

**لَدَيْكَ**

مرا به آنچه به تو نزدیک می‌سازد رهنمون شدی و به آنچه مرا به پیشگاه تو نزدیک سازد

توفیق دادی، و نادانی و بی‌باکی ام در برابر تو، مانع از اینها نشد.

**فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي**

پس اگر تو را خواندم اجابت کردی و اگر از تو خواستم عطا فرمودی

**وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي**

و اگر اطاعت کردم قدردانی نمودی و اگر شکر کردم، بر نعمت افزودی

**كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ**

اینها همه به جهت کامل نمودن نعمت و احسان خداوندی ات بر من است

**فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ**

پس منزّهی تو، منزّهی تو، که آغازکننده خلقتی و بازگرداننده آن، و ستوده و با عظمت هستی  
**تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ أَلْوَاكُ**

نام‌هایت مقدّس است و نعمت‌هایت با عظمت

**فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا**

بارها! کدام یک از نعمت‌هایت را به شماره آورم و یاد کنم؟!

**أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقَوْمٌ بِهَا شُكْرًا**

یا به سپاسگزاری کدام یک از عطا‌هایت برخیزم؟!

**وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ**

در حالی که — پروردگارا — [نعمت‌هایت] بیش از آن است که حساب‌گران برشمارند و

دانش‌اندیشمندان، آن را دریابند.

**ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَّاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ**

**السَّرَّاءِ**

بارها، به علاوه، آنچه از سختی و بلا از من بازگرداندی و دور کردی، بیش از آن عافیت و

خوشی‌ای است که برایم آشکار شده است

**وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَ عَقْدِ عَزْمَاتِ يَقِينِي**

خداوندا، و من شاهدم و گواهی می‌دهم با حقیقتِ ایمانم و با استواری و قاطعیتِ یقینی که

دارم،

**وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي**

و با توحید خالص و بی‌شائبه خود و از اعماق پنهانی درونم

**وَ عَلَانِيَةِ مَجَارِي نَوْرِ بَصْرِي وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي**

و [جوارحم نیز گواهی می‌دهند] با رشته‌های مجراهای نورِ چشمم، و خطوط صفحه‌

پیشانی‌ام

**وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عَرْنِينِي وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي**

و با شکاف راه‌های تنفّسم، و پرده‌های نرمه بینی‌ام، و راه‌های پرده گوشم

**وَ مَا ضَمَمْتُ وَ أَطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفْتَايَ**

و با آنچه لبانم بر هم بسته شود و قرار گیرد

**وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي**

و با حرکت‌های زبانم برای تلفظ

**وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي**

و با محل پیوند کام و فک من

**وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي**

و با محل رویدن دندان‌هایم، و محل چشیدن خوراک و آشامیدن ام  
**وَ حِمَالَةٍ أُمِّ رَأْسِي وَ بُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي**  
و با رشته و عصب مغز سرّ، و لوله متصل به رگ‌های گردنم  
**وَ مَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي**  
و با آنچه در قفسه سینه‌ام جای دارد، و رشته‌های رگ قلبم  
**وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَ أَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي**  
و با آویزه پرده قلبم، و پاره‌های اطراف کبدم  
**وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي**  
و با آنچه استخوان دنده‌هایم در بر گرفته  
**وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي وَ قَبْضِ عَوَاطِلِي وَ أَطْرَافِ أُنَامِلِي**  
و گودی‌های مفصل‌هایم، و انقباضات عضلات بدنم، و سر انگشتانم  
**وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي**  
و با گوشت و خون و مویم و پوستم  
**وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عُرُوقِي**  
و عصب و نای و استخوان و مغز و رگ‌هایم  
**وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَ مَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي**  
و با تمامی اعضایم و آنچه در مدت شیرخوارگی‌ام بر آن روییده  
**وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي**  
و با آنچه زمین بر پشت خود حمل نموده است  
**وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سُكُونِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي**  
و با خواب و بیداری‌ام و با سکون و حرکت و رکوع و سجودم  
**أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عَمِرْتُهَا**  
[گواهی می‌دهم] که اگر تلاش کنم و در طول قرون و اعصار — به فرض که چنین عمری

کنم — کوشش نمایم

**أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ**  
که شکر یکی از نعمت‌هایت را به‌جا آورم، نخواهم توانست  
**إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَ تَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا**  
جز به لطف تو، که با آن، شکر دیگری بر من واجب می‌شود؛ شکر دائم و نو، و ثنایی تازه

و فراهم

**أَجَلٌ، وَ لَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنْعَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِيهِ**  
آری، اگر من و همه آفریدگان حسابگرت، حرص و رزیم که گستره انعام تو را، از نعمت‌های

گذشته و آینده بر شماریم،

**مَا حَصْرَنَاهُ عَدَدًا وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا**

شماره آن را به دست نیاوریم و انتها و گستره آن را در نخواهیم یافت.

**هَيَّاهَاتِ أُنَىٰ ذٰلِكَ**

هیاهات، کجا چنین چیزی ممکن است!؟

**وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ**

در حالی که تو در کتاب گویا و خبر راستینت فرمودی:

﴿وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾

﴿اگر نعمت خدا را بر شمارید، نمی توانید آن را شمارش کنید!﴾

**صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْبِئُوكَ**

خداوندا، کتاب تو راست گفته و خبرت صادق بوده.

**وَ بَلَّغْتَ أَنْبِئُوكَ وَ رُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دِينِكَ**

و پیامبران و فرستادگانت آنچه از وحی بر ایشان فرو فرستادی، و آنچه از دینت بر آنها و

به وسیله آنها تشریح نمودی، رساندند.

**غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي وَ مَبْلَغِ طَاقَتِي وَ وَسْعِي**

جز اینکه ای خدای من، با تمام سعی و کوشش و تمام تلاشم، و هر آنچه در سعه و توان دارم

گواهی میدهم،

**وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مَوْقِنًا:**

و از روی باور و یقین می گویم:

﴿أَلْحَمَّ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا﴾ ﴿فَيَكُونُ مَوْرُوثًا﴾

﴿جمیع مراتب ستایش، خدای را که فرزندی نگزیده﴾ تا از او به ارث برسد

﴿وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي آلِّ مَلِكٍ﴾ ﴿فَيُضَادُّهُ فِيمَا ابْتَدَعَهُ﴾

﴿و برای او در فرمانروایی اش شریکی نبوده﴾ تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند

**وَ لَا وَكِيٍّ مِّنَ الدَّلِّ﴾ ﴿فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ﴾**

و ﴿نه از دلت، یاوری برای اوست﴾ که در آفرینش او را یاری رساند

**فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ﴾**

پس منزّه است او، منزّه است او

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ ﴿وَ تَفَطَّرَتَا﴾

﴿اگر در آسمان و زمین جز او خدایی بود تباه می شدند﴾ و از هم می پاشیدند

## سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ

منزه است یکتا و یگانه‌ای که بی نیاز است

الَّذِي ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿﴾

آنکه ﴿فرزند ندارد و فرزند کسی نیست، و هیچ کس همتا و برابر با او نمی‌باشد﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ

ستایش خدای را، ستایشی که با ستایش ملائکه مقرب و پیامبران مرسلس برابر باشد

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ

و صلوات و درود خدا بر برگزیدگان او، محمد خاتم پیامبران و خاندان پاک و مطهر و خالص

او باد

ثُمَّ انْدَفَعَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ اجْتَهَدَ فِي الدُّعَاءِ وَ قَالَ وَ عَيْنَاهُ تَكْفَانِ دُمُوعًا:

پس آن حضرت شروع فرمود در درخواست و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدگان مبارکش

جاری بود، پس عرض نمود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ

خداوندا، ترس از کبریا و عظمت خود را نصیبم کن، گویی که تو را می‌بینم

وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشَقِّتْنِي بِمَعْصِيَتِكَ

و مرا با تقوای خودت سعادت‌مند گردان، و با نافرمانی‌ات مرا بدبخت مکن

وَ خِر لِي فِي قَضَائِكَ

و در قضاء و اراده‌ات خیر را نصیبم گردان

وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ

و در مقدراتت برایم برکت قرار ده

حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُحْرَتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ

تا جایی که دوست‌دار تعجیل چیزی که تو خواستار تأخیرش هستی نباشم و طالب تأخیر

آنچه مقدم کرده‌ای، نباشم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي

بارالها، بی‌نیازی‌ام را در جانم و یقین را در قلبم قرار ده

وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

و اخلاص را در عملم و نور را در چشمم و بصیرت را در دینم قرار ده

وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي

و مرا از جوارحم بهره‌مند گردان، و چشم و گوشم را وارث من قرار ده

وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ ارْنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَارِبِي وَ اقْرَأْ بِذَلِكَ عَيْنِي



و مرا بر کسی که به من ستم کرده، یاری کن و با انتقام‌جویی و برآورده‌شدن حاجت، پیروزمندی را نشانم بده و بدین سبب چشمم را روشن گردان.

**اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي**

خدایا اندوه مرا برطرف کن و عیب مرا بپوشان

**وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَ اخْسَأْ شَيْطَانِي**

و از خطایم درگذر و شیطانم را با خواری بران

**وَ فُكِّ رَهَانِي**

و ذمه‌ام را از گروهی اعمالم برهان

**وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الآخِرَةِ وَ الْأُولَى**

بارالها، برایم در دنیا و آخرت درجه والا را مقدر فرما

**اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا**

خداوند، ستایش مخصوص توست که مرا آفریدی و شنوا و بینا گرداندی

**وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتَ عَنِ خَلْقِي غَنِيًّا**

خداوند، ستایش مخصوص توست که مرا آفریدی و از غایت مهربانی بر من، خلقتم را نیکو

قرار دادی، با آنکه از من بی‌نیاز بودی

**رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي**

پروردگارا، قسم به اینکه مرا آفریدی سپس سرشت مرا معتدل ساختی.

**رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صَوْرَتِي**

پروردگارا، قسم به اینکه مرا هستی دادی و صورتم را زیبا نگاشتی

**رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتِي**

پروردگارا، قسم به اینکه به من احسان کردی و مرا عافیت نفس دادی

**رَبِّ بِمَا كَلَّمْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي**

ای پروردگار من، قسم به اینکه مرا حفظ کردی و توفیق دادی

**رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي**

پروردگارا، قسم به اینکه بر من انعام فرمودی سپس هدایت نمودی

**رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي**

پروردگارا، قسم به اینکه مرا لایق انعام کردی و از هر خیری به من عطا نمودی

**رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي**

پروردگارا، قسم به اینکه به من خوراندی و نوشاندی

**رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَ أَقْنَيْتَنِي**

پروردگارا قسم به اینکه بی‌نیازم ساختی و اندوخته‌ام دادی

رَبِّ بِمَا أَعْنَتْنِي وَ أَعَزَّتْنِي

پروردگارا قسم به اینکه یاری‌ام کردی و عزیز ساختی

رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي

پروردگارا قسم به اینکه از پوشش پاکیزه‌ات بر من پوشانیدی و به کفایت خود، کار را بر من

آسان نمودی

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد صلوات و درود فرست

وَ أَعْنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ

و مرا در بلاهای روزگار و حوادث شب و روز یاری رسان

وَ نَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ

و مرا از هراس دنیا و اندوه‌های آخرت نجات بده

وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ

و مرا از شر آنچه ستمگران در زمین انجام می‌دهند کفایت فرما

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَ مَا أَحْذَرُ فَاقْنِي

خدایا از آنچه می‌ترسم مرا کفایت کن و از آنچه حذر می‌کنم نگهداری کن

وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَأَحْزُنِي

و در جان و دینم از من نگهبانی فرما

وَ فِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَأَخْلِفْنِي

و مرا در سفرم نگهدار و در خاندان و مالم جانشین باش

وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي

و در آنچه روزی‌ام فرمودی، برکت بده

وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي

و در نزد خویش، مرا ذلیل کن و در دیدگان مردم مرا عظمت بده

وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي

و از شر جن و انس سالمم بدار

وَ بِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ بِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْرِجْنِي

و به وسیله گناهانم رسوایم مساز و به واسطه درون [آلوده‌ام] آبرویم مبر

وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَ نِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي

و به وسیله عملم گرفتارم مساز و مرا از نعمت‌هایت باز نگیر

وَ إِلَيَّ غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي

و به غیر خود واگذارم مکن

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكُنُنِي

خدایا، مرا به که وامی گذاری؟!

إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعَنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمَنِي

به خویشاوند که از من ببرد؟! یا به بیگانه تا با من با ترش رویی برخورد کند؟!

أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَ أَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكُ أَمْرِي

یا به آنان که خووارم می شمردند؟! و حال اینکه تو خدا و زمامدار امر منی!

أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بَعْدَ دَارِي وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي

شکوه به تو آورده‌ام، از غربتم و دوری خانه آخرتم و خواری‌ام نزد کسی که اختیار کارم را

به او دادی.

إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ

پس معبود من، خشمت را بر من فرود نیاور

فَإِن لَّمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي

که اگر تو بر من خشمگین نباشی، از غیر تو باکی ندارم — پاک و منزهی تو — و جز این

نیست که عافیت تو بر من گسترده‌تر است

فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ

پس از تو درخواست می‌کنم پروردگارا، به نور جمالت که زمین و آسمان‌ها به آن روشن

گشت

وَ كُثِّفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتِ وَ صَلَّحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

و تاریکی‌ها به آن برطرف شد، و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید

أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَ لَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ

که مرا بر قهر و ناخشنودی‌ات نَمیرانی و خشمت را بر من فرود نیاوری

لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ

از تو پوزش می‌طلبم، از تو پوزش می‌طلبم تا پیش از آن [نزول عذابت] راضی گردی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

معبودی جز تو نیست، ای پروردگار خانه محترم و مشعر الحرام

وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبِرْكَهَ وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا

و خانه قدیمی (کعبه) که برکت را در آن نازل فرمودی و آن را برای مردم ایمن ساختی

يَا مَنْ عَفَا عَنِ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ

ای آن‌که با بردباری‌اش از گناهان بزرگ گذشت

يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ

ای آن‌که با فضلش نعمت‌ها را کامل ساخت

يا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ

ای آن که با کرمش گسترده و فراوان عطا کرد

يا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يا صاحِبِي فِي وَحْدَتِي

ای پشت و پناهم در سختی ام، ای همراهم در تنهایی ام

يا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي

ای فریادرسم در گرفتاری ام، ای سرپرستم در نعمت هایم

يا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

ای خدای من و خدای پدرانم: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب

وَ رَبَّ جَبْرَائِيلَ وَ ميكائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ

و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُنتَجِبِينَ

و ای پروردگار محمد، خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده اش

مُنزِلِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ

و ای نازل کننده تورات و انجیل و زبور و فرقان (قرآن)

وَ مُنزِلِ كَهيعص وَ طه وَ يَسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و ای فروفرستنده «کهيعص» و «طه» و «یس» و قرآن حکیم

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا

تو پناهگاه من هستی، آن زمان که راه های زندگانی با همه وسعتشان درمانده ام کنی، و زمین

با همه پهناوری اش بر من تنگ گیرد.

وَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ

و اگر رحمت تو نبود بی شک از هلاک شدگان بودم

وَ أَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَ لَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

و تویی که لغزشم را نادیده می گیری، و اگر پرده پوشی ات بر من نبود، قطعاً من از رسواشدگان

بودم

وَ أَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ

و تویی که با یاری ات مرا بر دشمنانم پیروز نمودی، و اگر یاری ات نبود هرآینه من از

شکست خوردگان بودم.

يا مَنْ حَصَّنَ نَفْسَهُ بِالسَّمْوِ وَ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ

ای کسی که خود را به بلندی و برتری اختصاص داده، پس دوستانش به عزت او عزت

می یابند

يا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای آنکه پادشاهان در برابرش یوغِ خواری بر گردن نهادند و از دستِ قدرتش هراسان‌اند

﴿بَعَّ لَهُمْ خَاتَمَةَ آلَ عِيسَىٰ وَمَا تَخَىٰ فِي الصُّدُورِ﴾

﴿خیانتِ چشم‌ها را و آنچه سینه‌ها پنهان می‌کنند، می‌داند﴾

و غَيْبٍ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَمْنَةُ وَ الدُّهُورُ

و به پنهانی‌هایی که زمان‌ها و روزگاران آشکار سازد آگاهی دارد

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ

ای آنکه جز او نمی‌داند که او چگونه است

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ

ای آنکه جز او نمی‌داند او چیست

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ

ای آنکه جز او، او را نمی‌شناسد

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ

ای آنکه زمین را بر آب انباشت و هوا را به آسمان بست

يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ

ای آنکه او را گرامی‌ترین نام‌هاست

يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا

ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد

يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا

ای آنکه کاروان را برای نجات یوسف در سرزمین بی‌آب و گیاه برانگیخت، و او را از چاه

بیرون آورد و پس از بردگی به پادشاهی‌اش رساند

يَا رَادَّةً عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٍ

ای آنکه یوسف را به نزد یعقوب بازگرداند، پس از آنکه دو چشم یعقوب از اندوه سفید شد

و دلش از غم آکنده بود

يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَ الْبَلَاءِ عَنِ أَيُّوبَ

ای که رنج و بلا را از ایوب دور ساختی

وَ مُمَسِّكِ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمْرِهِ

و دست ابراهیم را پس از سالخوردگی و در پایان زندگی از کشتن فرزندش بازداشتی

يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا

ای آنکه دعای زکریا را اجابت کرد و یحیا را به او بخشید و او را یگانه و تنها وانگذاشت

يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ

ای که یونس را از دل ماهی بیرون آورد

**يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنجَاهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ**

ای آن که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد و فرعون و لشکریانش را از

غرق شدگان قرار داد

**يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ**

ای آن که بادها را مژده‌دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد

**يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ**

ای کسی که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نمی‌ورزد

**يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُودِ**

ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطهٔ هلاکت رهانید، پس از آنکه سالیان طولانی در

انکار حق بودند،

**وَ قَدْ عَدُوا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَ قَدْ حَادَوْهُ وَ نَادَوْهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ**

در حالی که متنعم به نعمت او، رزقش را می‌خوردند و غیر او را بندگی می‌کردند، و به دشمنی

و شرک او برخاستند و پیامبران را تکذیب نمودند

**يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ**

ای خدا، ای خدا

**يَا بَدِيءُ يَا بَدِيْعٌ لَا نِدَّ لَكَ**

ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست

**يَا دَائِمٌ لَا نَفَادَ لَكَ**

ای جاودانه، برای تو پایانی نیست

**يَا حَيُّ حَيِّنٌ لَا حَيَّ يَمْحِي الْمَوْتَى**

ای زنده، آن‌گاه که زنده‌ای نیست، ای زنده‌کنندهٔ مردگان

**يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ**

ای چیره و مسلط بر هر کس و آنچه انجام داده است

**يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرَمْنِي**

ای که شکرم برای او اندک است، ولی محرومم نساخت

**وَ عَظُمْتُ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي**

و ای کسی که خطایم بزرگ شد، اما رسوایم نکرد

**وَ رَأَى عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي**

و ای کسی که مرا در حال نافرمانی‌ها دید، ولی در بین مردم بی‌آبرو نمود

**يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي**

ای که در خردسالی مرا حفظ کرد و در بزرگسالی رزق داد

يَا مَنْ أَيْدِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي وَ نِعْمَةٌ لَا تُجَازِي

ای که عطاهايش نزد من به‌شمار نیاید و نعمت‌هايش تلافی نگردهد

يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ وَ عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَ الْعِصْيَانِ

ای که با من با خیر و احسان رفتار کرد و من با بدی و نافرمانی با او روبرو شدم

يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ

ای که به ایمان هدایت نمود، پیش از آنکه [شیوه] سپاسگزاری برای نعمت‌هايش را بشناسم

يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي

ای آن که او را در بیماری خواندم پس شفایم داد

وَ غُرِيَانًا فَكَسَانِي

و در برهنگی او را صدا زدم، پس مرا پوشانید

وَ جَانِعًا فَأَشْبَعْنِي

و در حال گرسنگی او را خواندم، پس مرا سیر کرد

وَ عَطَشَانًا فَأَرَوَانِي

و در حال تشنگی او را خواندم، پس سیرابم نمود

وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي

در حال خواری او را خواندم، عزتم بخشید

وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي

در نادانی صدایش زدم، مرا معرفت بخشید

وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي

در تنهایی او را خواندم، افزونی جمعیتم بخشید

وَ غَائِبًا فَرَدَّنِي

و او را در دوری از وطن خواندم، مرا [به موطنم] برگرداند

وَ مُقَلًّا فَأَغْنَانِي

و در حال نداری او را خواندم، دارایم کرد

وَ مُنْتَصِرًا فَتَنْصَرَنِي

و از او یاری خواستم، یاری‌ام فرمود

وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي

و در ثروتمندی او را خواندم، محرومم نکرد

وَ أَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي

و از درخواست همه این‌ها دست کشیدم، او احسان را بر من آغاز نمود

## فَلِكُ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ

پس حمد و سپاس تورااست!

يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفْسَ كُرْبَتِي وَ أَجَابَ دَعْوَتِي

ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود و دعایم را اجابت نمود

وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي

و عیبم را پوشاند و گناهم را آمرزید و مرا به خواسته‌ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند

وَ إِن أَعَدُّ نِعْمَكَ وَ مِنْكَ وَ كِرَائِمَ مَنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا

اگر نعمت‌ها و عطاها و بخشش‌های باارزشت را برشمارم، هرگز نمی‌توانم به‌شماره آورم

يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ

ای سرور من، تویی که منت نهادی، تویی که نعمت دادی

أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ

تویی که احسان نمودی، تویی که نیکی نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ

تویی که فزونی بخشیدی، تویی که کامل کردی

أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ

تویی که روزی دادی، تویی که موفق نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْزَيْتَ

تویی که عطا فرمودی، تویی که بی‌نیاز نمودی

أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ

تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ

تویی که کفایت نمودی، تویی که هدایت کردی

أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ

تویی که نگاه‌داشتی، تویی که پرده‌پوشی نمودی

أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ

تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی

أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْزَزْتَ

تویی که ممکنت دادی، تویی که عزت بخشیدی

أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ

تویی که یاری نمودی، تویی که دست گرفتی

أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ



تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی

**أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ**

تویی که شفا بخشیدی، تویی که عافیت داد

**أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ**

تویی که گرامی داشتی؛ بزرگ و برتری

**فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا**

پس ستایش همیشه تورااست

**وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا**

و سپاس دائم و جاوید از آن توست

**ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي**

و از این سو، ای معبودم، منم آنکه به گناهانم اعتراف می‌کنم، پس آنها را ببامرز:

**أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ**

منم که بد کردم، منم که خطا کردم

**أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ**

منم که به گناه همت نمودم، منم که نادانی نمودم

**أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ**

منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم

**أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ**

منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمد ورزیدم

**أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ**

منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم

**أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ**

منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم

**أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ أَبِوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي**

منم که به نعمت بر خود و نزد خود اعتراف نمودم و به گناهانم اقرار می‌کنم، پس آنها را بر

من ببخشای

**يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ**

ای آن که گناهان بندگانش به او زیانی نرساند، در حالی که او از طاعت آنان بی‌نیاز است

**وَ الْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ**

و هر که از بندگانش عمل صالحی انجام دهد، اوست که با یاری و رحمتش او را توفیق داده

است

## فَلَا تَحْمَدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي

پس ای معبود من و آقای من، ستایش مخصوص توست

## إِلَهِي أَمْرَتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ

ای معبودم، به من فرمان دادی، تو را نافرمانی ات کردم، نهی نمودی و نهی ات را مرتکب شدم

## فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذَرَ وَ لَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ

اکنون چنانم که نه بی گناهم تا عذر آورم و نه توان دارم تا یاری بخوام

## فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ؟

پس با چه چیزی به تو روی آرَم ای مولای من؟

## أُبَسِّمُكَ أَمْ أَبْصُرُكَ أَمْ أَبْلِسُكَ أَمْ أَبِيدُكَ أَمْ أَبْرُجُكَ؟

با گوشم؟ یا با دیده ام؟ یا با زبانم؟ یا با دستم؟ یا با پایم؟

## أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتَكَ عِنْدِي وَ بِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ؟

آیا اینها همه نعمت های تو نزد من نبود؟! و من تو را با همه اینها نافرمانی نکردم!؟

## يَا مَوْلَايَ فَلَاكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِيلُ عَلَيَّ

ای مولای من، پس تو حجّت و راه بر مؤاخذه من داری

## يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي

ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند تا من را از خود نرانند

## وَ مِنَ الْعَشَائِرِ وَ الْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي

و ای آنکه مرا از خویشان و برادران مخفی داشت تا ملامت من نکنند

## وَ مِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي

و از پادشاهان مرا پوشاند، تا مجازاتم نکنند

## وَ لَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَ لَرَفَضُونِي وَ قَطَعُونِي

مولای من، اگر اینان آگاه می شدند بر آنچه تو از من می دانی، هرگز مهلت من نمی دانند و مرا از

خود می رانند و از من می بریدند

## فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ

آری من همینم ای خدای من، ای سرور من، در برابر تو هستم: سرافکنده و خوار و درمانده

و ناچیز

## لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذَرَ وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ

نه بی گناهم تا عذر آورم، و نه توانی دارم که یاری بخوام

## وَ لَا ذُو حُجَّةٍ فَأُحْتَجُّ بِهَا

و نه حجّتی دارم که با آن احتجاج نمایم

## وَ لَا قَابِلٌ لَمْ أُجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سَوْءًا

و نه می توانم بگویم که گناه و کار بد نکرده‌ام

**وَمَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي**

و بر فرض که انکار کنم — مولای من — چگونه این انکار مرا سود بخشد؟!

**كَيْفَ وَ أَنَّى ذَلِكِ وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ**

و چگونه این انکار مرا سود بخشد؟! و حال آنکه همه اعضا و جوارح بر آنچه کردم بر من

گواه‌اند

**و عِلْمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكِّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَ أَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا**

**تَجَوُّرُ**

به یقین دانستم، بدون هیچ تردیدی، که تو از کارهای عظیم من خواهی پرسید و تو حاکم

عدالت پیشه‌ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی‌کنی

**وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي**

و همان عدالت تو مرا هلاک خواهد نمود و از همه عدالت تو من گریزانم

**فَإِنْ تَعَذَّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَ إِنْ تَعَفَّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ**

**كِرَمِكَ**

پس ای معبود من، هرگاه عذابم کنی، به‌خاطر گناهان من خواهد بود؛ پس از آنکه بر من

حجتی داری و اگر بر من ببخشی، از بردباری و جود و کرم تو خواهد بود

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از ستمکارانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از آمرزش‌خواهانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوحِدِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از یکتاپرستانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از بیمناکانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از هراسناکانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ﴾

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از امیدوارانم﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَ لَكَ إِنَّكَ أَنْتَ مِنْ﴾ **الرَّاعِبِينَ**

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از﴾ مشتاقانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَ لَكَ إِنَّكَ أَنْتَ مِنْ﴾ **المُهْتَلِينَ**

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از﴾ لایله‌الله‌گویانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَ لَكَ إِنَّكَ أَنْتَ مِنْ﴾ **السَّائِلِينَ**

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از﴾ درخواست‌کنندگانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَ لَكَ إِنَّكَ أَنْتَ مِنْ﴾ **المُسَبِّحِينَ**

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از﴾ تسبیح‌کنندگانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَ لَكَ إِنَّكَ أَنْتَ مِنْ﴾ **المُكْتَبِينَ**

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو، و من از﴾ تکبیر‌گویانم

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبِّحَ لَكَ رَبِّي وَ رَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ

﴿معبودی جز تو نیست و منزهی تو﴾، ای پروردگار من و پدران پیشینم

**اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَ إِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مَوْجِدًا**

خدایا، این ثنای من است در مقام تعظیم تو، و اخلاص من در یاد تو در مقام یکتاپرستی ات

**وَ إِقْرَارِي بِأَلَانِكَ مُعَدِّدًا**

و این است اعترافم به نعمت‌هایت که به شمار آوردم

**وَ إِنْ كُنْتُ مُقَرَّرًا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا**

هرچند اعتراف دارم که نتوانستم آن‌ها را شماره کنم، به خاطر کثرت و کمال نعمت‌هایت

**وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَقَادِمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مِنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ**

**أَوَّلِ الْعُمُرِ**

و پیشی‌جستنِ نعمت‌هایت بر من تاکنون، که همواره با آنها به من رسیدگی می‌نمودی، از

زمانی که در آغاز مرا آفریدی و پدید آوردی

**مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَ كَشْفِ الضَّرِّ**

که از تهیدستی به بی‌نیازی رساندی و گرفتاری‌ام را برطرف کردی

**وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَ دَفْعِ الْعُسْرِ**

و اسباب آسایشم را فراهم ساختی و سختی را برداشتی

**وَ تَفْرِيجِ الْكُرْبِ وَ الْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ**

و اندوه را زدودی و بدنم را در عافیت، و دینم را سلامت داشتی

**وَ لَوْ رَفَدْنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَ لَا**

## هُم عَلَىٰ ذَٰلِكَ

و اگر برای بیان نعمت همهٔ جهانیان از گذشتگان و آیندگان یاری‌ام دهند، نه من خواهم توانست، نه آنها بر بیان آن قدرتی دارند

**تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ**

مقدس و برتری تو ای پروردگار کریم و بزرگ و مهربان

**لَا تُحْصَى الْأَوْكُ وَ لَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَ لَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ**

عظاهایت به عدد نیاید و کسی را توان ستایش تو نیست و نعمت‌هایت تلافی نگردد

**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**

بر محمد و خاندان محمد درود فرست

**وَ أتمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَ أَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ**

و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و با طاعتت ما را سعادت عنایت فرما

**سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**

منزهی تو، معبودی جز تو نیست

**اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ السَّوْءَ**

خداوندا، تو درماندگان را پاسخ می‌دهی و بدی را برطرف می‌سازی

**وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ**

و به فریاد غمدیدگان می‌رسی و بیمار را شفا می‌بخشی

**وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ**

و تهی دست را بی‌نیاز می‌گردانی و شکستگی را التیام می‌بخشی

**وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ**

و به کودکان ترحم می‌کنی و به بزرگسالان یاری می‌رسانی

**وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ**

جز تو پشتیبانی نیست و قدمندی بالاتر از تو وجود ندارد و تویی بلندمرتبه و بزرگ

**يَا مُطَلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ**

ای رهاکنندهٔ اسیر در بند

**يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ**

ای روزی‌دهندهٔ کودک خردسال

**يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ**

ای پناه‌هراسندهٔ پناه‌خواه

**يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ**

ای که برایت شریک و دستیار نیست

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَ أَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتْ وَ أَنْتَلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلِيهَا

و در این شب، از نعمتی که می‌بخشی، برترین چیزی را که به هر یک از بندگانت عطا کرده‌ای

و داده‌ای، به من عطا کن

وَ آلاءِ تُجَدِّدُهَا وَ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا

و عطاهایی که تجدید می‌نمایی و بلایی که برمی‌گردانی

وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا

و اندوهی که برطرف می‌کنی و دعایی که می‌شنوی

وَ حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا وَ سَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا

و عمل نیکی که می‌پذیری و بدی‌ای که می‌پوشانی

إِنَّكَ لَطِيفٌ، بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

همانا تو به لطف ازلی و علم ربّانی، به هر چه خواهی آگاهی و بر همه چیز توانایی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دَعَى

خداوندا، تو نزدیک‌ترین کسی هستی که خوانده شود

وَ أَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ

و سریع‌ترین کسی هستی که جواب دهد

وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَا

و بزرگواری‌ترین کسی هستی که گذشت کند

وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى

و وسیع‌ترین کسی هستی که عطا کند

وَ أَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ

و شنواترین کسی هستی که از او درخواست شود

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا

ای مهربان دنیا و آخرت و بخشنده دنیا و آخرت

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ

درخواست‌شونده‌ای چون تو نیست، و آرزویی غیر تو وجود ندارد

دَعْوَتِكَ فَأَجِبْتَنِي

تو را خواندم، پاسخم دادی

وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي

و از تو درخواست کردم، عطایم نمودی

و رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرِحَمَّتِي

و به سویت اشتیاق ورزیدم، به من رحم فرمودی

و وَثَقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتِي

به تو اطمینان کردم، نجاتم دادی

و فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتِي

و به تو پناه آوردم، کفایت نمودی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدَ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

بارالها، بر محمد، بنده و فرستاده‌ات و پیامبرت و بر جمیع اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش درود

فرست

و تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ وَ هِنِّئْنَا عَطَاءَكَ

و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و عطا‌هایت را بر ما گوارا گردان

و اَكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ ذَاكِرِينَ

و ما را از سپاسگزاران و یادکنندگان نعمت‌هایت قرار ده

آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

اجابت کن، اجابت کن، ای پروردگار عالمیان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ وَ قَدَرَ فَقْهَرَ

خداوندا، ای که بر مُلک وجود، مالک شدی و بر هر چیز توانا گشتی، و توانستی و چیره

گشتی

وَ عَصَى فَسْتَرَّ وَ اسْتُغْفِرَ فَعَفَّرَ

و ای کسی که تو را نافرمانی کردند و پوشاندی، از تو آمرزش خواستند و درگذشتی

يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ

ای مقصود خواستاران مشتاق، و ای نهایت آرزوی امیدواران

يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

ای آن که دانشش بر هر چیز احاطه دارد

وَ وَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا

و ای کسی که مهربانی و رحمت و بردباری‌اش، توبه‌جویان را فرا گرفته

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ

خداوندا، در این شب به تو روی می‌آوریم

الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

شبی که آن را شرافت و عظمت بخشیدی، به وسیله محمد، پیامبر و فرستاده‌ات

وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَ حَيْكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ

و برگزیده‌ات از میان خلائقت و امین وحیات، آن مژده‌دهنده و بیم‌دهنده و چراغ تابناک

**الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ**

آن که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی و او را برای جهانیان رحمت قرار دادی

**اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِيكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ**

پس خداوندا، بر محمد و اهل بیت محمد درود فرست، که او لایق این درود از جانب توست،

ای خدای بزرگ

**فَصِّلْ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ الْاِهْلِ الْمُنتَجَبِينَ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ اَجْمَعِينَ**

پس بر او و همه اهل بیت برگزیده و پاک و پاکیزه‌اش درود فرست

**وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا**

و ما را در پوشش رحمت و بخششت فراگیر

**فَاِلَيْكَ عَجَبَتِ الْاَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ**

که صداها به هر زبانی به سوی تو بلند است

**فاجعل لنا اللهم في هذه العشيّة نصيباً من كلّ خير تقسمه بين عبادك**

خدایا، در این شب از هر خیری که میان بندگانت تقسیم می‌کنی، برای ما بهره‌ای قرار بده

**وَ نور تهدي به وَ رحمة تنشرها**

و از هر نوری که با آن هدایت می‌نمایی و رحمتی که می‌گسترانی [برای ما بهره‌ای قرار بده]

**وَ بركة تنزلها وَ عافية تجلّها**

و از هر برکتی که فرو می‌فرستی و عافیتی که بر بندگان می‌پوشانی [برای ما بهره‌ای قرار بده]

**وَ رزق تبسطه يا ارحم الراحمين**

و از هر رزقی که می‌گستری [برایمان بهره‌ای قرار بده] ای مهربان‌ترین مهربانان

**اللَّهُمَّ اقلبنا في هذا الوقت منجحين مُفلحين مبرورين غانمين**

خدایا، ما را در این وقت از پیشگاه رحمت پیروز و رستگار، و با عمل پذیرفته و کامیاب

بازگردان

**وَ لا تجعلنا من الفائطين**

و ما را از ناامیدان قرار مده

**وَ لا تخلنا من رحمتك**

و از رحمت بی‌بهره مگردان

**وَ لا تحرنا ما نؤمله من فضلك**

و از آن فضل تو که چشم‌انتظاریم، محروم مساز

**وَ لا تجعلنا من رحمتك محرومين**

و از رحمت بی‌بهره منما



و لَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَاتِطِينَ

و از فزونی عطایت که آرزو داریم، ناامید مکن

و لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ

و ما را ناکام بازگردان و از درگاهت مران

يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

ای بخشنده‌ترین بخشنندگان و کریم‌ترین کریمان

إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مَوْقِنِينَ وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ

با یقین و باور، به درگاهت رونمودیم و قصد خانه‌ات را نمودیم

فَاعِنَّا عَلَىٰ مَنَاسِكِنَا وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا

بر ادای مناسک حج، یاری ما کن و حجمان را کامل کن

وَ اعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا وَ عَافِنَا

و از ما درگذر و به ما عافیت عنایت کن

فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَاهُ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةً

چراکه دست به‌سوی تو دراز کرده‌ایم و نشانه‌های خواریِ اعتراف به گناه در این دست‌ها

پدیدار است

اللَّهُمَّ فَأَعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهٖ مَا سَأَلْنَاكَ وَ أَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ

خدایا، آنچه در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن و کفایت آنچه را از تو خواستیم،

عهده‌دار باش

فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ

که جز تو کفایت‌کننده‌ای نداریم و برای ما پروردگاری غیر تو نیست

نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ

امر و فرمانت بر ما نافذ است، دانشت ما را احاطه کرده، حکم و قضایت بر ما عادلانه است

إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ

خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَ كَرِيمَ الذُّخْرِ وَ دَوَامَ الْيُسْرِ

خدایا، پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به‌حقّ جودت بر ما لازم گردان

وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ

و گناهان همه ما را ببامرز و با هلاک‌شدگان هلاکمان مکن

وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و مهربانی و رحمتت را از ما برمگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ

خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار بده که از تو درخواست کردند و تو به آنان عطا فرمودی، و تو را شکر نمودند پس بر نعمت آنان افزودی

**وَ تَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهُ**

و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی و از همه گناهانشان به سوی تو بیزاری جستند، پس

تمام گناهانشان را آمرزیدی

**يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ**

ای دارای جلال و بزرگواری

**اللَّهُمَّ وَ قَفْنَا وَ سَدِّدْنَا وَ أَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا**

خدایا ما را توفیق ده و در راه استوار ساز، و تضرع و زاری ما را بپذیر

**يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ**

ای بهترین کسی که از او درخواست شود، و ای مهربانترین کسی که از او ترحم می خواهند

**يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَ لَا لَحْظُ الْعُيُونِ**

ای آن که برهم نهادن پلکها و نگاه چشمها بر او پوشیده نیست

**وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَ لَا مَا انْطَوَّتْ عَلَيْهِ مُضْمِرَاتُ الْقُلُوبِ**

و آنچه در نهان استقرار یافته و رازهای پوشیده دلها از او پنهان نیست

**أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ**

آری همه اینها را دانشت شمارش نموده و بردباری ات فرا گرفته

**سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا**

تو منزهی و بسیار برتری، از آنچه ستمگران [دربارهات] می گویند

**تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ**

آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنهاست تو را تسبیح می گویند

**وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ**

و هیچ موجودی نیست مگر اینکه همراه سپاس تو، تو را تسبیح می گوید و منزّه می دارد

**فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْأَيَادِي**

**الْجِسَامِ**

پس ستایش و بزرگی و بلندی رتبه از آن توست، ای دارنده جلال و کرامت و فضل و نعمت

و موهبتهای بزرگ

**وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ**

و تویی بخشنده و کریم و رئوف و مهربان

**اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ عَافِنِي فِي بَدْنِي وَ دِينِي**

خدایا از روزی حلال بر من وسعت بخش، و در تن و دینم عافیت قرار بده

وَأَمِنْ خَوْفِي وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

و ترسم را به ایمنی مبدل گردان و وجودم را از بند آتش برهان

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي

بارخدایا، مرا به مکر خود دچار مکن، و مرا به تدریج دچار غفلت مگردان

و لَا تَخْدَعْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ

و مرا در خیالات باطلم رها مساز، و شر فاسقان جن و انس را از من دور کن

قَالَ بَشِيرٌ وَبَشِيرٌ ثُمَّ رَفَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَوْتَهُ وَبَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَعَيْنَاهُ قَاطِرَتَانِ

كَأَنَّهَا مَزَادَتَانِ وَقَالَ

بشر گوید: سپس حضرت صدای خود را بلند نمودند و رو به آسمان نمودند، در حالی که

مانند مشک از چشمانش اشک سرازیر بود و عرض نمود:

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان

و يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الزَّاحِمِينَ

و ای سریع‌ترین حساب‌رسان و ای مهربان‌ترین مهربانان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ

بر محمد و اهل بیت محمد، آن سروران پُربرکت درود فرست

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي

خداوندا، از تو آن حاجتم را می‌خواهم که اگر آن را به من عطا کنی، دیگر هرچه را از من

دریغ ورزی به من ضرری نرساند

وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي

و اگر از من دریغ‌نمایی، دیگر هرآنچه به من عطا کنی، سودی نبخشد:

أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

درخواست دارم که از آتش دوزخ رهایی ام بخشی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

معبودی جز تو نیست، که یکتایی و شریک‌نداری

لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

فرمانروایی و ستایش، مخصوصِ توست، و تو بر هر چیز توانایی

يَا رَبِّ يَا رَبِّ...

پروردگار من، پروردگار من...

فَلَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَهْدٌ إِلَّا قَوْلُهُ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ بَعْدَ هَذَا الدُّعَاءِ وَ شَغْلَ مَنْ حَضَرَ  
مَمَّنْ كَانَ حَوْلَهُ وَ شَهِدَ ذَلِكَ الْمَحْضَرَ عَنِ الدُّعَاءِ لِأَنْفُسِهِمْ وَ أَقْبَلُوا عَلَى الْإِسْتِمَاعِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
وَ التَّامِينَ عَلَى دُعَائِهِ قَدْ اقْتَصَرُوا عَلَى ذَلِكَ لِأَنْفُسِهِمْ ثُمَّ عَلَتْ أَصْوَاتُهُمْ بِالْبُكَاءِ مَعَهُ وَ عَزَبَتْ

## الشَّمْسُ وَ أَفَاضَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ أَفَاضَ النَّاسُ مَعَهُ.

پس مکرّر عرضه می داشت: «یا رَبِّ، یا رَبِّ»، و تمام افرادی که دور حضرت بودند، تماماً به حضرت گوش می دادند و آمین می گفتند. پس صداها به گریه همراه آن حضرت بلند شد تا آفتاب غروب نمود و از عرفات بیرون آمدند.